



**انتقاد کردن شما جوانان دانشجو شیرین و دلچسب است**

صفحهٔ ۲



**«جنگ تر فه‌ای» برنده‌ای ندارد**

صفحهٔ ۱۱

**دبیر کل حزب مردم سالاری:**

# تندروهای داخلی همراه با لابی صهیونیستی مخالف مذاکره ایران و آمریکا هستند

صفحهٔ ۳

**ناخرسندی اصولگرایان دلوایس**

**از مذاکرات**

**گروه سیاسی**– رحمان زین الدین: روز شنبه درحالی مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا در مسقط برگزار شد که بازارهای ارز تجاری صبح روز یکشنبه در میدان فردوسی دستخوش تغییرات شگرفی شد و ریزش سنگینی داشت. در عین حال با اینکه بهای هر اونس طلا در بازارهای جهانی به دلیل وضع تعرفه‌های سنگین برای کشور چین از سوی دونالد ترامپ و…

صفحهٔ ۲

**سفر ویژه گروسی به تهران**

معاون امور حقوقی و بین‌المللی وزیر امور خارجه، اعلام کرد: گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، چهارشنبه غروب وارد تهران می‌شود و با وزیر امور خارجه و رئیس سازمان انرژی اتمی دیدار و گفتگو خواهد کرد. همزمان، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی ایکس از دریافت استوارنامه «رضا نجفی» و سفیر و نماینده جدید جمهوری اسلامی ایران نزد…

صفحهٔ ۱۰

**ادامه روند مذاکرات غیر مستقیم ایران و آمریکا**

**گروه دیپلماسی-علی ودایع:** نشست سخنگوی وزارت امورخارجه ایران یکی از شلوغ‌ترین روزهای خود را در بهار داغ تهران تجربه کرد. سوزه دور اول گفت‌وگوی ایران و آمریکا در عمان و احتمالات مورد پرسیش اغلب خیرنگاران قرار گرفت. «اسماعیل بقائی» سخنگوی دستگاه دیپلماسی…

صفحهٔ ۱۰

### یادداشت

سیاست خارجی محل غیرقابل انتظارهاست، شاید در صحبت‌ها از «نظام بین‌الملل» یا «نظم جهانی» سخن به میان آوریم، اما در اصل و در معنی، این اصطلاح یک ترکیب متضاد است چرا که اساساً تنها نظمی که در سیاست خارجی وجود دارد، نظم قدرت است. حال اینکه شکل این قدرت چگونه است را می‌توان مورد بحث و گفت و شنوند قرار داد، اما وجود آن را به‌ عنوان اصل تعیین کننده نمی‌توان کتمان کرد. در عرصه‌ای که قدرت تصمیم گیرنده و بی‌اعتمادی شرط تصمیمات است، صحبت از «انتظار» چه از کشوری خارجی و چه از بازیگری خارجی در بهترین حالت گمراه کننده و در بدترین حالت ساده لوحانه است. در ادبیات و ذهنیت مرتبط با سیاست خارجی اساساً نباید و نمی‌توان از بازیگر، معاهده، توافق و با هر گونه فعل و انفعالاتی با کنشگران خارجی «انتظار» خاصی داشت. صحبت از انتظار در این حالت یا نوعی آرزوی شرایط با ثبات با هدف تسکین خود و دیگران است که در آن آرزو می‌کنیم یا می‌خواهیم رفتار دیگر کنشگران قابل پیش‌بینی باشد و یا اینکه چشم پوشی از «مادگی و برنامه‌ریزی برای هر اتفاقی» است، یعنی چشم پوشی از کاری که به‌خصوص باید بخش اصلی اندیشه سیاست خارجی در میان مفتقران، اندیشمندان و تحلیل‌گران باشد.

مقاله حاضر، تأکیدی است بر اینکه ذهنیت تحلیلی در عرصه سیاست خارجی چیزی شبیه به قدم زدن در جنگل است که در آن نمی‌توان صحبت از نظم یا اعتماد کرد.
حالم، تأکیدی که این نوشتار بر آن استوار است این است که چنین قدم زدنی نه مانند حرکت در روز روشن بلکه همچون قدم زدن در جنگلی تاریک است که هرگونه «غیر قابل انتظار» قابل انتظار است.
ذهنیت یک اندیشمند سیاست خارجی یا یک دیپلمات باید به‌گونه‌ای باشد که انتظار هرگونه اتفاق پیش‌بینی و برای آن آمادگی (و در شرایط مطلوب، برنامه‌ریزی) وجود داشته باشد، چرا که نقطه نقل حرکت فکری وی نداشتن هیچ گونه انتظار یا همان انتظار غیر قابل انتظار باشد.

**پدیده‌شناسی «انتظار»**

واژه انتظار واژه‌ای جالب است، چه کاربرد آن در فارسی و چه در انگلیسی با نوعی جهت به آینده همراه است. چه در زبان فارسی و چه در زبان انگلیسی، این واژه با مفهومی از جهت‌گیری به سوی آینده پیوند خورده است. در واقع، هسته معنایی انتظار، نوعی «نگاه» است و «نگاه» برخلاف حواسی مانند شنوایی که دریافت‌کننده‌اند، ماهیتی پویا، جهت‌دار و متوجه به بیرون دارد. برای روشن شدن این موضوع، می‌توان به تفاوت میان شنوایی و بینایی اشاره کرد. گوش ما صداها را دریافت می‌کند؛ در این فرآیند، گوش در حالت ایستا قرار دارد و منتظر رسیدن امواج صوتی است. اما در «نگاه»، ما با نوعی کنش فعال و پرتاب خوداگاهانه به فراتر از محدوده‌های فعلی‌مان مواجهیم. هنگامی که به نقطه‌ای خیره می‌شویم، قادر به دیدن فاصله‌های دور، چه یک متر، چه ده متر و چه پنجاه متر، هستیم. این بدان معناست که نگاه ما به نوعی در فضای پیش‌رو و در نتیجه در بُعدی از آینده سیر می‌کند.

واژه انتظار از ریشه «نظر» که معنای نگاه کردن مشتق شده است. در زبان انگلیسی نیز واژه «expect» از ترکیب دو جزء لاتین «ex» به معنای «خارج» (همانند واژه «exit») و «specere» به معنای «نگاه کردن» ساخته شده‌ است. بنابراین، «expect» در معنای لغوی، «نگاه به بیرون» را تداعی می‌کند که به خوبی مفهوم عملی انتظار، یعنی چشم دوختن به وقوع چیزی در آینده، را منتقل می‌سازد. در فارسی نیز اصطلاح رایج «چشم به راه» به زیبایی این مفهوم را بیان می‌کند؛ انتظار به

### ایران و فلسفه در دیپلماسی

علی مفتح

معنای چشم دوختن و مترصد بودن است. آنچه در عمل انتظار در ابتدا کمی متناقض به نظر می‌رسد، تغییر کاربری حس بینایی از یک فرآیند پویا به یک فرآیند ثابت است. همان‌طور که اشاره شد، نگاه کردن ذاتاً فعالیتی پرتابی و جهت‌دار است، در حالی که در حالت انتظار، این نگاه نوعی خود همراه با ثبات به خود می‌گیرد. برای مثال، می‌گوییم: «چشم به راه دوختن». این ایستایی در انتظار، اگرچه ممکن است در نگاه اول عجیب به نظر برسد، اما بی‌دلیل نیست. همان‌طور که در ادامه خواهیم خواند، نگاه و در راستای آن انتظار به سبب طبیعت خود همراه با نوعی بی‌ثباتی هستند و این تلاش برای ثبات با «دوختن» چشم تلاشی برای تثبیت شرایط حاصل از بی‌ثباتی در نگاه (چه به اطراف و چه به آینده) است.در واقع، انتظار را باید با نوعی بی‌ثباتی مرتبط دانست. اساساً، فعل نگاه کردن با نوعی گسترش همراه است، برخلاف شنوایی که منفعل و ایستا است، حس بینایی امکان گسترش دایره حرکتی و آگاهی محیطی ما را فراهم می‌آورد. برای مثال، می‌گوییم: «نگاهبان دیدهبان» به شکلی «بیزینبانه» اوضاع را «تحت نظر» و «صد» خود دارد.

در زبان انگلیسی نیز واژگان و اصطلاحاتی چون watchful, keep an eye on, اندیشمندان و تحلیل‌گران باشد.

مراقبت را می‌رسانند و به نوعی با نگاه کردن و چشم مرتب‌ب هستند. این ارتباط در دیگر زبان‌ها نیز کم و بیش به همین شکل دیده می‌شود. در آلمانی، شاهد آن هستیم که فعل warten به معنای «منتظر بودن» با فعل wachen که به معنای «نگاه بانی کردن» و «بیدار بودن» می‌باشد هم ریشه است (رابطه میان انتظار، بیدار بودن و نگاه بانی مسئله‌ای است که در ادامه پیش تر مورد بررسی قرار خواهد گرفت). درست مانند زبان انگلیسی (که watch (تماشا کردن)، wait (منتظر بودن) و awake (بیدار بودن) هم ریشه هستند، باید اصل این کلمات را در هند و اروپایی آغازین و واژه -weg- جستجو کرد که به معنای «بیدار، سرزنده، فعال» است. جالب است که در اوستایی، کلمه مرتبط با -weg- را می‌توان در yaxš یافت که به معنای «شد، بزرگ شدن، افزودن، بالندگی، پیشرفت» است، مانند وخشیدن که امروزه چندان مورد استفاده نیست یا وخش که به معنای آغاز یا ابتدا است. در زبان اسپانیایی، پیوند میان نگاه و مواظبت اقدر نزدیک است که برای گفتن «مواظب باش!» از واژه «Ojo» به معنای «چشم» استفاده می‌شود!

زمانی که از مواظبت و ارتباط آن با بینایی سخن می‌گوییم، باید به این نکته توجه داشت که بینایی به‌طور بالقوه دایره حرکتی و تعامل انسان با محیط را افزایش می‌دهد. به همین دلیل است که در حالت خواب، چشمان خود را می‌بندیم؛ چرا که در این وضعیت، اساساً نیاز به حرکت و تعامل فعال با محیط کاهش می‌یابد. در خواب، دایره حرکتی ما به حداقل می‌رسد و در حالت ایستایی قرار می‌گیریم. این حالت با آرامش و قرار همراه است و انسان نه توانایی «تحت نظر» داشتن اوضاع و نه ضرورتی برای آن در خواب دارد، اما با باز شدن چشم‌ها، ما به‌طور طبیعی از محدوده فردی خود فراتر رفته، به اطراف می‌نگریم و به‌طور بالقوه برای حرکت آماده می‌شویم.

در این حالت بیداری و فعال شدن حس بینایی است که آرامش و قرار مطلق ما به پایان می‌رسد و زمینه برای فعالیت فراهم می‌شود. با شروع فعالیت و گسترش دایره حرکتی، ما ناگزیر از دایره آرامش، قرار و ثبات خارج می‌شویم. در حالی که خواب اساساً بدون ثبات و نوعی سکون و عدم تحرک قابل توجه غیرممکن است، بیداری به‌طور طبیعی با حرکت و در نتیجه، افزایش دایره حرکتی همراه است که این امر به‌طور طبیعی با

نوعی بی‌ثباتی و مواجهه با ناشناخته‌ها همراه خواهد شد. به این معنا که با افزایش دامنه کنشگری خود، با بی‌ثباتی، نادانسته‌ها، چیزهای جدید، چالش‌ها و در کل با هر آنچه نامطمئن، بعضاً غیرقابل انتظار و قرار ما را بی‌قرار می‌کند، روبرو می‌شویم. به‌طور کلی، با باز شدن چشم و آغاز به کار حس بینایی، دایره دانش و حرکت ما در نتیجه مواجهه با نااطمینانی گسترش می‌یابد. قدرت و نیرویی که بینایی به انسان می‌بخشد، یکی از دلایلی است که در ادیان وحیانی، تجلیات الهی (بر خلاف خود خداوند متعال) معمولاً به شکل بصری توصیف می‌شوند. همان‌طور که در آیه شریفه ۱۴۲ سوره مبارکه اعراف می‌خوانیم: «موسیٰ (به تقاضای جاهلانه قوم خود) عرض کرد که خدایا خود را به من آشکار بنما که جمال تو را مشاهده کنم. خدا در پاسخ او فرمود که مرا تا ابد نخواهی دید». دلیل این امر آن است که بشر در دریافت وحی، آن را صرفاً دریافت می‌کند، در حالی که با نظاره، احساس چیرگی بر منظور و توانایی تحت نظر داشتن و نظارت آن را می‌یابد. در این حالت است که آنچه تحت نظر قرار می‌گیرد، با محدودیت قدرت مواجه می‌شود و هر آنچه غیرقابل انتظار است، به نوعی از محدوده فکری و بصری حذف می‌گردد. حتی در برخی بینبانه‌های سیاسی، به‌ویژه از سوی کشورهای غربی، اصطلاحاتی همچون «اوضاع را تحت نظر داریم» بسیار شنیده می‌شود که نوعی اعمال و نمایش قدرت از سوی این کشورها به شمار می‌رود.

صحت از «غیر قابل انتظار» در اینجا اهمیت ویژه‌ای دارد. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، «تحت نظر» داشتن به معنای مواظبت و نگاهبانی کردن است و این مواظبت ارتباطی تنگاتنگ با بینایی دارد. در واقع، با گسترش دایره حرکتی انسان به واسطه بینایی، خطرات و به نوعی هر آنچه «غیر قابل انتظار» است نیز افزایش می‌یابد. در اینجااست که باید به بعد زمانی انتظار نیز توجه کرد. اگر بینایی به گسترش دایره حرکتی انسان کمک می‌کند، به‌طور مشابه، به گسترش دایره زمانی او نیز یاری می‌رساند. مثال رادارهای هشدار دهنده را در نظر بگیریم که به ازتش کمک می‌کنند تا حمله موشکی یا پرواز جنگنده‌های دشمن را زودتر اطلاع دهند. در واقع، زمانی که از رادار با تعبیری چون «چشم بینا» ارتش یاد می‌کنیم، در حال یادآوری این نکته هستیم که تحرکات دشمن را «تحت نظر» داریم و هر گونه حرکت تا س‌وی آن را «می‌بینیم». در واقع در حال اشاره به این نکته هستیم که در دشمن و تحرکات او نظارت داریم و هرآنچه غیرقابل انتظار است را به حداقل رسانده‌ایم. در حقیقت، به لطف این چشمان تیزبین است که دشمن دیگر «غیرقابل انتظار» نیست و قدرت آن بر ما برتری ندارد چرا که «تحت نظر» و «تحت نظارت» قرار گرفته است. همین گسترش توانایی «صد» می‌تواند اثرش یک کشور را از نظر زمانی پیش‌بیندازد و سرعت واکنش آن را افزایش بخشد. در صحبت از این بعد زمانی است که باید از «پیش‌بینی»، یعنی «جلو را دیدن» یا «پیش‌تر را دیدن»، سخن گفت.

به‌سبب لطف پیش‌بینی‌ها بود که بشر در عرصه‌های گوناگون، همچون کشاورزی، پیشرفت چشمگیری داشت. پیش‌بینی‌های آب و هوا به او کمک کرد تا زمان وقوع رویدادها را قبل از رسیدن آن‌ها ببیند. این آگاهی از آینده چنان برای بشر حائز اهمیت بوده است که باعث پیروی افراد از پیامبران می‌شده است. چنانکه واژه «prophet» در زبان انگلیسی از پیشوند «pro» به معنای «پیش» و ریشه یونانی «phetes» به معنای «گوینده» تشکیل می‌شود و پیامبران در واقع «پیشگویانی» بودند که از آینده خبر می‌دادند. در قرآن کریم نیز همین صفت ادامه دارد و یکی از مأموریت‌های اصلی پیامبر اسلام (ص) سخن گفتن از آینده، یعنی معاد، بهشت و جهنم است، تا جایی که تصویر این وقایع بسیار واضح به ترسیم کشیده شده است. اما در عین حال مشاهده می‌کنیم که زمان دقیق وقوع آن تنها در نزد خداوند متعال است،

چنانکه در آیه شریفه ۲۴ سوره مبارکه لقمان می‌خوانیم: «همانا علم ساعت اقیامت نزد خداست». یعنی پیامبران تا حدی قادر به «پیش‌بینی» و «دیدن» آینده بودند، اما از دیدن کامل آن ناتوان بودند. همین توانایی نسبی با پیش‌گویی پیامبران برای دیدن آینده بود که به بشر نوعی ثبات و در عین حال هدف (Telos) داد. این توانایی در پیش‌بینی آینده، به‌بشر قدرت داد که در مواجهه با نادانسته‌ها و امور غیرقابل انتظار، بتواند به‌طور نسبتباً عادل‌ی زندگی کند. در واقع، نوعی ثبات و آرامش ایجاد می‌کرد و در عین حال به او هدف می‌بخشید. به لطف دین، بشر توانست درک بهتری از آینده داشته باشد و از این آگاهی برای رسیدن به اهداف بزرگ‌تر استفاده کند.

از سوی دیگر، دین با کاهش درجه «غیر قابل انتظار» (همان‌طور که در قرآن کریم بارها تأکید بر عدالت خداوند متعال و پادش و جزا انسان‌ها شده است) به انسان‌ها کمک کرد تا مسیر تحصیل علم و دانش را هموارتر سازند. بشر که حالا از وجود یک نظام هدفمند در آفرینش مطمئن شده بود، تلاش کرد تا بیشتر به شناخت این نظام بپردازد و در ابعاد مختلف، از جمله در مورد می‌کرد و در عین حال به او هدف می‌بخشید. به لطف دین، بشر هدفمند در جهان باعث شد که انسان‌ها به دنبال کشف و فهم عمیق‌تر قوانین حاکم بر طبیعت و عالم هستی باشند. بشری که می‌دانست قادر به دیدن خداوند متعال نیست، سعی کرد تا با کنکاش و تحقیق به فهم این نظام برسد: «أیا به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده؟ و به آسمان، که چگونه برافراشته شده؟ و به کوه‌ها که چگونه برپا داشته شده؟ و به زمین که چگونه گسترده شده است» (غاشیة: ۲۰-۱۷). در واقع، قدرتی که علم به بشر می‌داد تا با آن تجلی خداوند متعال را ببیند، به حدی رسید که وی علم را با خداوند، یعنی وسیله را با هدف، جایگزین کرد تا جایی که توصیف نظام‌مند نظام آفرینش به بشر این‌گونه القا کرد که وی نه تنها نظام آفرینش را «تحت نظر» و نظارت دارد، بلکه شاید خالق این نظام آفرینش را نیز «تحت نظر» دارد! یعنی خود را ناظر بر خداوند و در نتیجه بالاتر از او پنداشت.

این بود که چرا نباید دانشمندان را پیامبران، یعنی «prophet» و پیشگویان این عصر دانست؟ بشری که حالا توانسته بود با پیش‌بینی هوا، رفتار خاک و دریا، همه آفرینش را تحت نظر داشته باشد، به این تصور رسیده بود که هیچ چیزی در هستی در واقع، س‌والی که برای او پیش آمد (و او را به بیراهه کشاند) این بود که چرا نباید دانشمندان را پیامبران، یعنی «prophet» و پیشگویان این عصر دانست؟ بشری که حالا توانسته بود با پیش‌بینی هوا، رفتار خاک و دریا، همه آفرینش را تحت نظر داشته باشد، به این تصور رسیده بود که هیچ چیزی در هستی در واقع، س‌والی که برای او پیش آمد (و او را به بیراهه کشاند) این بود که چرا نباید دانشمندان را پیامبران، یعنی «prophet» و پیشگویان این عصر دانست؟ بشری که حالا توانسته بود با پیش‌بینی دین، عریان بودن خود) همراه است. در داستان آفرینش در تورات، دو درخت در مرکز عدن قرار دارد که یکی از آن‌ها درخت دانش و دیگری درخت حیات یا ابدیت است. این داستان نقل می‌کند که با تناول از درخت دانش، خداوند بشر را برای جلوگیری از دستیابی وی به درخت ابدیت به زمین تبعید می‌کند، مبادا با خوردن آن از نیز به مقامی بسیار والا دست یابد: «پنک انسان مانند یکی از ما شده است و نیک و بد را می‌داند؛ و اکنون، مبادا دست خود را دراز کند و از درخت حیات نیز بگیرد و بخورد و تا ابد زنده بماند». با کمک دانش است که انسان می‌تواند آینده را ببیند. یعنی دانش است که به او کمک می‌کند تا تصاویری از مرخ به زمین بفرستد و برای زندگی در سیرات دیگر برنامه‌ریزی کند. به کمک دانش است که می‌تواند آینده را «پیش‌بینی» کند و «غیر قابل انتظار» را تا حدودی «قابل انتظار» سازد.

زمانی که بشر بتواند آینده را تا حدودی پیش‌بینی کند، در

# حاکمیت حق مردم است مردم سالاری

شنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۴-۱۶ شوال ۱۴۴۶- ۱۵ آوریل ۲۰۲۵- سال بیست و چهارم- شماره ۶۵۱۴- ۱۲ صفحه- ۱۵۰۰۰ تومان

**دبیر کل حزب مردم سالاری:**

# تندروهای داخلی همراه با لابی صهیونیستی مخالف مذاکره ایران و آمریکا هستند

صفحهٔ ۶

**نایب رئیس اتحادیه املاک پیش‌بینی کرد**

## بازار مسکن منتظر تعیین تکلیف سایر بازارها

صفحه ۶



آن صورت است که به نوعی آرامش دست می‌یابد. تا زمان رفع خطر، به سختی می‌توان «چشم به هم گذاشت» و به خواب رفت. تنها با پیش‌بینی حدودی از آینده است که می‌توان از اضطراب و همچنین ترس از «غیر قابل انتظار» کاست. به همین دلیل است که در زمان‌های بحرانی معمولاً صحبت از آخرالزمان بسیار می‌شود؛ چرا که انسان با نوعی بحران و انقلاب در اندیشه، جامعه، فرهنگ و غیره روبرو است. با صحبت از آخرالزمان است که فرد س‌می می‌کند تا مسیر سریع تحولات را در ذهن خود به دست بگیرد و با تصور اینکه این‌ها نشانه‌های پایان جهان است، در حالی که همه چیز به سرعت در حال تحول است، آینده را قابل پیش‌بینی کند و همچنین با تصور اینکه جهان رو به پایان است، با اندیشه پایان بحران‌ها و تحولات، خود را تسکین بخشد. در همین زمان‌ها است که همچنین می‌توان شاهد ظهور پیشگویان بود که سعی می‌کنند تا با پیش‌بینی آینده، قدرت از دست رفته بشر را که به سبب تحولات سریع و دگرگون‌کننده از او گرفته شده بود، به وی بازگردانند. همین آرزوی آرامش هست که باعث می‌شود تا بعضاً به دام انتظارات خود در شرایط گوناگون بفتیم. همان‌طور که در ابتدای این نوشتار به آن اشاره شد، بعضاً صحبت از «انتظار» از طرفه‌های دیگر در سیاست خارجی می‌تواند نشأت گرفته از آرزو و خواست درونی برای آرامش باشد که باعث می‌شود تا از طبیعت واقعی سیاست خارجی که با غیر قابل انتظار همراه است غافل شویم.

**انتظار و ثبات در غرب:**

**اشتباه شناختی ایالات متحده**

این ثبات و قدرت آرامش بخش که از پیش‌بینی آینده حاصل می‌شود، نتیجه تبدیل «غیر قابل انتظار» به «قابل انتظار» است که کم و بیش مختص به سیاست داخلی یک کشور است. مثال ایالات متحده در وضعیت کنونی آن به درک بهتر این موضوع کمک می‌کند؛ برای دهه‌ها، غرب قدرت خود را از ثبات و قابل انتظار بودن کسب می‌کرد. غرب، به لطف دانش، برنامه‌ریزی و پیش‌بینی‌های خود، توانسته بود نوعی سرزمین موعود و عدن برای خود ایجاد کند که در آن درخت دانش در دسترس آن بود. حاکمیت قانون، ثبات، قابل پیش‌بینی بودن و قابل انتظار بودن، همگی به حاکمیت نوعی آرامش در غرب کمک کرده بودند. بپهوه نیست که بسیاری از افرادی که به غرب سفر می‌کنند، در اولین مواجهه این آرامش را به شکلی عمیق تجربه می‌کنند. استفاده از دانش در صنعت و تکنولوژی نوعی قابل انتظار بودن برای جلوگیری از هر چیزی که غیر قابل انتظار و در نتیجه خارج از کنترل، سلطه و نظارت بشر است را در غرب فراهم کرده است، در حالی که این آرامش روی دیگر خود را یعنی یکنواختی و بی‌روخی را به ارمان آورده است؛ به همین دلیل است که در کنار آرامش عجیب در غرب به سبب کم کردن هرآنچه غیر قابل انتظار است از یکنواختی، بی‌روخی و زندگی ماشینی هم صحبت می‌شود.

این ثبات، قابل پیش‌بینی بودن و قابل انتظار بودن، نشان از «تحت نظر» بودن شرایط در غرب داشته و دارد؛ همه چیز تحت نظارت و کنترل است؛ پیش‌بینی پذیری شرایط با استفاده از تکنولوژی یک بعد مسئله است. بعد دیگر آن بر می‌گردد به «حاکمیت قانون». به لطف این حاکمیت همه گیر است که به ندرت می‌توان با «غیر قابل انتظار» در غرب مواجه شد. شاید از کسانی که اندکی در غرب زندگی کرده‌اند این را شنیده‌اید که «همه چیز مشخص است!» در واقع، به لطف این «شفافیت» (دقت بفرمایید که «شفافیت» که بسا کنترل، اعتماد و آرامش مرتبط است نیز با دین و بینایی مرتبط است) است که شهروندان از حقوق خود آگاه هستند و در صورت انجام وظایف خود، درست به مانند دفترچه راهنما یک ماشین، با هیچ گونه غیر قابل انتظاری روبرو نخواهند شد.

ادامه در صفحه ۱۰